

واکاوی شرایط زمینه‌ساز فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند از دید زوجین در آستانه ازدواج شهر کرمانشاه^۱

حسام‌الدین علی دوستی^۲، عبدالرضا ادهمی^۳، شهلا کاظمی‌پور^۴

چکیده

یکی از عوامل اساسی کاهش باروری به سطح پایین و بسیار پایین، تاخیر در فرزندآوری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موثر بر نگرش زوجین در آستانه ازدواج نسبت به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند انجام شد. مطالعه حاضر مطالعه‌ای کمی، از نوع تحلیل داده‌های ثانویه بود که بر روی زوجین در آستانه ازدواج شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۴ انجام شد. از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۳۷۴ نفر انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مجموعه‌ای از پرسش‌های مربوط به نگرش به فرزندآوری بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون f، آزمون خی‌دو، آزمون t و رگرسیون چندگانه، توسط نرم‌افزار Spss نسخه ۲۲ انجام شد. نتایج آزمون t دو گروه مستقل و خی‌دو نشان داد، بین جنس (۰/۰۲۵)، وضع شغلی (P=۰/۰۱۶، ۰/۰۶۰)، ترجیح جنسیتی (P=۰/۰۰۲، ۰/۰۲۸)، تفاوت معکوس و معنادار و نتایج آزمون f بین سن (P=۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰)، تحصیلات (۰/۰۰۱)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی (P=۰/۰۰۰، ۰/۰۳۹)، فشار اجتماعی (P=۰/۰۳۴)، حمایت اجتماعی (P=۰/۰۷۷، ۰/۰۰۱) و نگرانی از فرزندآوری (P=۰/۰۰۱، ۰/۰۰۱)، اثر مثبت و معناداری بر نگرش آنها نسبت به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند دارند. متغیرهای جمعیتی و اقتصادی - اجتماعی اگرچه بر نگرش پاسخ‌گویان نسبت به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند موثر هستند، اما به نظر می‌رسد، باید به متغیرهای ارزشی - نگرشی (حمایت اجتماعی، فشار اجتماعی و نگرانی از فرزندآوری) بیشتر توجه شود که تاثیر بالاتری بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند دارند.

واژگان کلیدی: باروری، فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند، تاخیر در فرزندآوری، کرمانشاه، ایران.

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی در رشته جامعه‌شناسی گرایش اقتصاد و توسعه در دانشگاه آزاد تهران شمال می‌باشد.

۲- دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. e.alidousti@ut.ac.ir

۳- دانشیار، گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. adhmiab@yahoo.com

۴- دانشیار، عضو هیات علمی بازنشسته مؤسسه مطالعات جمعیتی کشور، تهران، ایران. skazemipour@gmail.com

مقدمه

از سال ۱۳۸۵ به بعد میزان باروری در ایران، به زیر سطح جایگزینی^۱ (کمتر از دو فرزند به ازای هر زن) رسیده است. دوام میزان باروری زیر سطح جانشینی موجب سالخوردگی جمعیت و سرعت بخشیدن به کاهش نیروی کار فعال می‌شود، که پیامدهای منفی جدی برای توسعه اقتصادی کشور خواهد داشت (عرفانی و همکاران، ۱۳۹۸). در سالهای اخیر، یکی از عواملی که تحت تأثیر آن، الگوی باروری در بسیاری از جوامع به سطح باروری پایین (کمتر از ۱/۵ فرزند) و بسیار پایین (کمتر از ۱/۳ فرزند) کاهش یافته است، تأخیر در زمان تشکیل خانواده و فرزندآوری است. افزایش سنین ازدواج و فرزندآوری زنان، ابتدا شاخص‌های مقطعی باروری نظیر میزان باروری کل^۲ را تحت تأثیر قرار داده و آنها را پایین می‌آورد و سپس بعد تکمیل شده خانوار را نیز کاهش می‌دهد (رازقی نصر آباد و همکاران، ۱۳۹۹). سن شروع فرزندآوری^۳ یک رابطه مستقیم با باروری کلی هر زن دارد و بر تعداد بچه‌ای که یک زن در طول دوره تولید مثل در غیاب هر نوع کنترل باروری فعال می‌آورد، تأثیر می‌گذارد (مهرجویی و همکاران، ۱۳۹۳). مطالعات متعددی نشان داده‌اند که اگر فرزند اول در سنین جوانتر و با فاصله کمتری از ازدواج به دنیا بیاید، تولد سریعتر فرزند بعدی را به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر، افزایش فاصله تولد اول می‌تواند بعد تکمیل شده خانوار را کاهش دهد (رازقی نصر آباد و همکاران، ۱۳۹۷). براین اساس می‌توان فرض کرد که باروری زیر سطح جانشینی با افزایش قصد تک فرزندی و تأخیر در فرزند آوری اول و دوم و نبود فرصت جبران همراه است. گفتنی است، آمار بی‌فرزندگی اختیاری در جامعه ایران بسیار پایین است (رازقی نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به کاهش باروری و ضرورت اتخاذ سیاستی مناسب در زمینه باروری و رشد جمعیت، آگاهی از ایده‌آل‌های افراد در زمینه تعداد فرزندان و تعیین کننده‌های آن به منظور سیاست‌گذاری‌های جمعیتی متناسب با بسترهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران اهمیت خواهد داشت. شناخت الگوها و عوامل مؤثر بر فاصله اولین تولد، از تمام جنبه‌ها مخصوصاً به عنوان یک تعیین‌کننده رفتار جمعیتی ضرورت دارد. زیرا در شرایط کنونی که کشور باروری زیر سطح جایگزینی را تجربه می‌کند، انتظار می‌رود که تأخیر در باروری افزایش یابد. لذا مطالعه نگرش زوجین در آستانه ازدواج نسبت به فاصله ازدواج تا اولین تولد از نقطه نظر دلالت‌ها برای آینده باروری و رشد جمعیت حائز اهمیت است. این مطالعه به بررسی فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند، به عنوان

1-Fertility Sub-replacement

2-Total fertility rate

3-Child Bearing

یکی از ابعاد مهم در فرایند تصمیم‌گیری فرزندآوری می‌پردازد. باتوجه به اینکه یکی از بسترهای باروری پایین، تاخیر در فرزندآوری است، این سوال مطرح می‌شود که فاصله ازدواج تا اولین تولد در شهر کرمانشاه چقدر است و چه عواملی بر آن اثرگذار است؟

مطالعات نظری و تجربی

چارچوب نظری و مفهومی مورد استفاده در تحقیقات مربوط به فاصله ازدواج تا تولد، برگرفته از نظریه‌های مربوط به باروری است و رویکردهای نظری که برای تبیین باروری به کار می‌روند، نظیر رویکرد تئوری عمل بخردانه و تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، نظریه ترجیح جنسیتی، تئوری جریان ثروت بین نسلی کالدول و نظریه انتقال دوم جمعیتی در مطالعات مربوط به فاصله ازدواج تا تولد، مورد استفاده قرار گرفته است.

پشتوانه نظری قصد باروری^۱ یا تعویق در باروری به عنوان تعیین‌کننده رفتار باروری و یا به تعویق انداختن باروری، تئوری عمل بخردانه و تئوری رفتار برنامه‌ریزی^۲ شده است. بر اساس این نظریه، قصد رفتاری، تعیین‌کننده مهم رفتار است؛ لذا تصمیم افراد برای داشتن یا به تعویق انداختن باروری به عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های مهم رفتار تاخیر در باروری مفروض شد. همچنین درک از هنجارها و انتظارات دیگران مهم (خانواده و جامعه) نیز بر اساس این نظریه در رفتار باروری تاثیرگذار است (کرد زنگنه و قاسمی اردهائی، ۱۳۹۷).

در مدل مفهومی این مطالعه، نگرش فردی نسبت به فرزند، فرزندپروری، تک‌فرزندی، به تاخیر انداختن فرزندآوری، باورهای جنسیتی و نقش‌های اجتماعی زنان در برابر نقش‌ها به عنوان یک انگیزه مهم قصد و رفتار به تاخیر انداختن باروری در نظر گرفته شده است که این دیدگاه تا حدودی منطبق با نظریه انتخاب عقلانی نیز هست که بر اساس آن، افراد متناسب با مزایا و معایب هر عمل برای دستیابی به هدف خود، بهترین گزینه را انتخاب می‌کنند (خلج آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۴).

یکی دیگر از چارچوب‌های نظری بسیار مناسب برای مطالعه تصمیم‌گیری‌های بارداری، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده است که توسط آجیزین (۱۹۹۱) طرح شده است. این نظریه مقاصد فرزندآوری را تحت تاثیر سه گروه از عوامل، فرمول‌بندی می‌کند: (۱) نگرش‌های مثبت و منفی در جهت رفتار (۲) باورها و اعتقادات هنجاری ذهنی (رفاه ذهنی مانند رضایت از زندگی، میزان

1-Fertility intention

2-Theory of Reasoned Action

شادی) ۳ عوامل کنترلی (رفاه عینی مانند تحصیلات و موقعیت شغلی) (تستا^۱، کاوالی و ریستا، ۲۰۱۴). بنابر نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، نیت، تابعی از سه عامل تعیین‌کننده بلافصل اساسی می‌باشد. این سه تعیین‌کننده به شرح زیر توصیف می‌شوند:

(۱) نگرش به رفتار، که ماهیتا امری شخصی است، به ارزیابی‌های درونی مردم از یک رفتار ارجاع می‌شود که نشان می‌دهد آیا انجام یک رفتار پیامد مثبت یا منفی برای آنها خواهد داشت.

(۲) هنجار ادراکی، که منعکس‌کننده تاثیر اجتماعی است. درک افراد از فشارهای اجتماعی مرتبط با انجام دادن یک رفتار را می‌سنجد.

(۳) نظارت رفتار ادراکی، که با مسایل مربوط به نظارت سر و کار دارد. ادراکات افراد در خصوص اینکه آیا آنها قادرند یک رفتار مشخص را انجام دهند را می‌سنجد.

در نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، همچنین نشان داده شده است که عوامل پیشینه‌ای، شامل عوامل شخصی مانند نگرش‌های عمومی، ویژگی‌های شخصیتی و ارزشها، عوامل اجتماعی مانند سن، جنس، پیشینه فرهنگی، تحصیلات، درآمد و دینداری و عوامل اطلاعاتی مانند تجربه گذشته، دانش و قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها، همگی بر نگرش به رفتار، هنجار ادراکی و نظارت رفتاری ادراکی تاثیرگذار هستند. این متغیرها اغلب "زمینه" شکل‌گیری یک تصمیم را تعریف می‌کنند (آیزن^۲، ۲۰۰۵).

کاترین حکیم^۳ (۱۳۹۱) اولین جامعه‌شناسی است که به این مفهوم توجه کرده است. او از اصطلاح سرمایه جنسی برای پرداختن به این مهم استفاده کرده است. حکیم کاملاً به این نکته توجه دارد که اگر چه بورديو، اشاره‌های اندکی در مفاهیم سرمایه نمادین و سرمایه فرهنگی به مشخصات فیزیکی فرد دارد، اما به جنس و جنسیت توجه کافی نکرده است. او براین باور است که جنس موجب می‌شود که افراد به منابع مالی گوناگونی دسترسی پیدا کنند و حتی نحوه تغییر میزان سرمایه اقتصادی یا فرهنگی در بین دو جنس متفاوت است.

در مقابل دیدگاه‌های اقتصادی، صاحب‌نظرانی از جمله کللند و ویلسون^۴ (۱۹۸۷) و رایبسون^۵ (۱۹۹۹) نظریه اقتصادی باروری را مورد نقد قرار داده و بیان نمودند که والدین همواره تصمیمات خود در مورد فرزندان را بر مبنای اقتصادسنجی دقیق محاسبه نمی‌کنند. آنان عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها و آمال خانواده‌ها را عامل برتر در تبیین باروری دانسته و معتقدند که هر

1-Testa

2-Ajzen

3-Hakim

4-Cleland and Wilson

5-Robinson

چند عوامل مدرنیزاسیون و اقتصادی ممکن است در تبیین تفاوت باروری مؤثر باشند، ولی توجه به ایده‌ها و فرهنگ هر جمعیتی در مطالعه انتقال جمعیتی ضروری است (چمنی و همکاران، ۱۳۹۵).

در ساختار سنتی جامعه، به فرزندان به عنوان منبعی نگریسته شده است که برای والدین سود دارد و بر اساس تئوری جریان ثروت بین نسلی کالدول^۱ که معتقد است در همه جوامع تصمیم‌های باروری پاسخ‌های عقلانی اقتصادی به جریان‌های ثروت خانوادگی است، در جوامع سنتی، جریان ثروت از سمت فرزندان به سمت والدین است. او می‌گوید باروری در دامنه میان کمترین تا بیشترین سطح، تحت تاثیر دلایل شخصی، اجتماعی و فیزیولوژیک است و کاهش باروری محصول تغییرات اجتماعی است تا اقتصادی. انقلاب اجتماعی که در روابط خانوادگی و جریان ثروت رخ می‌دهد، نیازی نیست که با تغییرات و نوسازی اقتصادی همراه باشد. ارتباط مستقیم بین ساختار خانواده و باروری وجود دارد. در جوامع سنتی که در وضعیت باروری طبیعی به سر می‌برند، فرزندان منافع اقتصادی دارند، جریان‌های ثروت رو به بالا و از نسل‌های جوانتر به نسل‌های سالخورده‌تر است؛ در نتیجه والدین به کمیت فرزندان اهمیت می‌دهند. در جوامع مدرن، فرزند دارای بار اقتصادی برای خانواده است و فرزندان ارزش اقتصادی اندکی برای والدین دارند؛ در نتیجه والدین بیشتر به کیفیت فرزندان توجه می‌کنند. اگر با تئوری منفعت فرزندان لیبنشتاین^۲ از منظر اقتصادی به فرزند نگاه کنیم، فرزند منشاء خیر و برکت برای والدین بوده است؛ زیرا هم نیروی کار، هم موجب سرگرمی و لذت والدین و هم عصای پیری آنان بوده است (صیفوری طغراجردی و همکاران، ۱۳۹۸).

پرداختن به عوامل فرهنگی در تبیین نرخ باروری، بیشتر با کار وندکا و لستاق^۳ تحت «نظریه گذار دوم جمعیتی» آغاز گردید. آنها این نظریه را به عنوان نتیجه الگوهای در حال تغییر شکل خانواده مطرح کردند، که از تغییرات ارزشی در جوامع پست مدرن ناشی می‌شود (هرا، ۲۰۰۸). این نظریه ناظر بر تغییراتی است که در سطح ازدواج، باروری و جامعه رخ می‌دهد. کاهش ازدواج، افزایش اولین سن در اولین ازدواج، افزایش همخانگی‌های قبل و بعد از ازدواج، افزایش طلاق و کاهش ازدواج مجدد بعد از طلاق و بیوگی از تغییراتی است که در سطح ازدواج رخ می‌دهد. کاهش باروری با به تعویق انداختن فرزندآوری، افزایش سن والدین، کاهش باروری به

1-Caldwell

2-Liebenstein

3-Lesthaeghe

پایین تر از سطح جایگزینی، کارآمدی وسایل پیشگیری از باروری، تغییراتی را شامل می‌شوند که در سطح باروری رخ می‌دهد (لستاق، ۲۰۰۶).

بارکلی^۱ و کلک^۲ (۲۰۱۷) نشان داده‌اند که فاصله کوتاه بین موالید پیامدهای منفی متعددی در دوران کودکی و بزرگسالی به همراه خواهد داشت. مطالعه حسینی چاووشی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد، مهمترین علت کاهش باروری، به تعویق انداختن تولد اولین فرزند و زیاد شدن فاصله بین موالید است. با این حال مطالعات اندکی پیامدهای تعویق باروری را بررسی کرده‌اند. مطالعات و شواهد مختلف نشان داده‌اند، قصد فرزندآوری و رفتار باروری زوجین متأثر از عوامل چندجانبه و متعدد زیستی، روانی و اجتماعی است (دی جولیو^۳، بولر^۴ و همکاران، ۲۰۱۲). وضعیت اقتصادی- اجتماعی، اشتغال زنان، فشار اطرافیان (برناردی^۵ و کلر^۶، ۲۰۱۴؛ بالو^۷ و میلز^۸، ۲۰۱۱؛ خدیوزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ صادقی و شهابی، ۱۳۹۷؛ رازقی نصرآباد و حسینی، ۱۳۹۷؛ قاسمی اردهائی و همکاران، ۱۳۹۳) سطح تحصیلات (بوبر^۹ و همکاران، ۲۰۱۳؛ طاوسی و همکاران، ۲۰۱۵ و شجاعی و همکاران، ۲۰۱۷) حمایت از سوی والدین، خویشاوندان و دوستان (دومیرماچ^{۱۰}، کلوباس^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۴؛ هارکنت^{۱۲}، بیلاری^{۱۳} و همکاران، ۲۰۱۴؛ ماتیوس^{۱۴} و سر^{۱۵}، ۲۰۱۳) ویژگی‌های کوهورت‌های ازدواجی (مک دونالد، حسینی چاووشی و همکاران، ۲۰۱۵) از جمله عواملی هستند که بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند زوجین تاثیرگذار هستند.

همچنین، مطالعات مختلفی نشان داده‌اند که عواملی مانند سطح تحصیلی زنان و پایگاه اجتماعی- اقتصادی (باقری و سعادت، ۱۳۹۷) عوامل ارزشی و فرهنگی (عباسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۹۸) ترجیح جنسیتی (عطایی سعیدی، ۱۳۸۷؛ آزموده و همکاران، ۱۳۹۳) نگرانی از فرزندآوری (طاوسی و همکاران، ۱۳۹۴؛ حسینی و همکاران، ۱۳۹۳) می‌توانند بر فاصله ازدواج

- 1-Barclay
- 2-Kolk
- 3-Di Giulio
- 4-Bühler
- 5-Bernardi
- 6-Klärner
- 7-Ballo
- 8-Mills
- 9-Buber
- 10-Dommermuth
- 11-Klobas
- 12-Harknett
- 13-Billari
- 14-Mathews
- 15-Sear

تا تولد اولین فرزند آنان تاثیرگذار باشند. یافته‌های (استایر، ۲۰۰۷؛ رحیمی فروشانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ترابی و همکاران، ۱۳۹۶؛ رازقی نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۸) نشان داد که سن مادر هنگام اولین ازدواج و محل سکونت اثر معناداری بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند دارد.

فرضیات پژوهش

جدول شماره ۱. فرضیات پژوهش

فرضیات	چارچوب نظری
به نظر می‌رسد بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و سن زوجین رابطه معکوسی وجود دارد. هر چه سن زوجین افزایش پیدا کند، نگرش به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند پایین است.	تئوری گذار دوم جمعیتی
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و جنس تفاوت معناداری وجود دارد، بطوریکه مردان نسبت به زنان نگرش فرزندآوری بالاتری دارند.	تئوری گذار دوم جمعیتی
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و محل سکونت تفاوت معناداری وجود دارد، بطوریکه روستائیان نسبت به شهریان فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند پایینی دارند.	تئوری گذار دوم جمعیتی
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و تحصیلات زوجین رابطه وجود دارد هر چه تحصیلات زوجین افزایش پیدا کند، فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند بیشتر است.	تئوری اشاعه
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و وضع شغلی تفاوت معناداری وجود دارد، بطوریکه افراد شاغل نسبت به غیر شاغلین، فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند بالاتری دارند.	تئوری گذار دوم جمعیتی
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و پایگاه اقتصادی - اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد که با توجه به شرایط و بسترهای اقتصادی - اجتماعی افراد اثرگذاری این متغیرها بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند متفاوت است.	تئوری جریان ثروت بین نسلی کالدول
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و مدت زمان استفاده از اینترنت رابطه معکوسی وجود دارد، هر چه افراد مدت زمان بیشتری را صرف استفاده از اینترنت کنند، فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند پایینی دارند.	رویکرد اشاعه
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و تعداد خواهر و برادر زوجین رابطه معکوسی وجود دارد، هر چه افراد تعداد خواهر و برادر کمتری داشته باشند، فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند پایین است.	تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده (تجربه گذشته)
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و ترجیح جنسیتی رابطه مستقیمی وجود دارد، هر چه افراد ترجیح جنسیتی بالاتری داشته باشند، فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند پایینی دارند.	تئوری کاترین حکیم
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و حمایت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد، هر چه حمایت اجتماعی از زوجین بیشتر باشد، فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند پایینی دارند.	تئوری رفتار برنامه‌ریزی آجزین (هنجارهای کنترلی، حمایت اجتماعی)
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و فشار اجتماعی رابطه معکوسی وجود دارد، هر چه فشار اجتماعی بر افراد بیشتر باشد، فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند پایین است.	تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده آجزین (فشار اجتماعی)
بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و نگرانی از فرزندآوری رابطه معکوسی وجود دارد، هر چه نگرانی از فرزندآوری افراد بیشتر باشد، فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند پایین است.	تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده آجزین (هنجارهای ذهنی، نگرانی از فرزندآوری)

روش

مطالعه حاضر مطالعه‌ای کمی، از نوع تحلیل داده‌های ثانویه بود که بر روی زوجین در آستانه ازدواج شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۴ انجام شد. با توجه به حجم جامعه و بر اساس جدول مورگان، تعداد ۳۷۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. معیارهای ورود به تحقیق عبارت بودند از: زنان و مردان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله‌ای که در یکی از مراکز بهداشتی-درمانی شهر کرمانشاه پرونده بهداشتی داشتند و برای دریافت خدمات بهداشت بارداری به آنجا مراجعه می‌کردند و معیار خروج عدم تمایل به شرکت در پژوهش بود. داده‌های گردآوری شده از طریق شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی (آزمون f، آزمون t، آزمون خی دو، رگرسیون خطی و رگرسیون چندگانه)، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای سنجش روایی ابزار تحقیق از اعتبار سازه^۱ و تحلیل عاملی^۲ با استفاده از نسخه ۲۲ نرم افزار Spss در زمان تحلیل داده‌ها استفاده شد. جهت رعایت نکات اخلاقی پژوهش، با تأکید بر محرمانه بودن اطلاعات و حفظ رازداری به این مطلب اشاره شد که نیازی به ذکر نام و نام‌خانوادگی نیست. این پرسشنامه با استفاده از داده‌های مربوط به بررسی نحوه نگرش زوجهای در آستانه ازدواج و زنان و مردان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله توسط کاظمی پور، عینی زیناب و همکاران در سال ۱۳۹۴ در مرکز آمار ایران تهیه و تنظیم شده است. این پرسشنامه شامل سنجش اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان از قبیل (سن، جنسیت، محل سکونت) متغیرهای اجتماعی-اقتصادی (تحصیلات، وضع شغلی، ترجیح جنسیتی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی) و مقیاس نگرشی (حمایت اجتماعی^۳، فشار اجتماعی^۴ و نگرانی از فرزندآوری^۵) که داری ۱۶ گویه و در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) نمره‌گذاری شد. نمرات بالاتر در شاخص حمایت اجتماعی به معنای فاصله کمتر ازدواج تا اولین تولد است و در شاخص فشار اجتماعی و نگرانی از فرزندآوری به معنای فاصله بیشتر ازدواج تا تولد اولین فرزند است. برای سنجش روایی سوالات پرسشنامه از روایی محتوا استفاده نموده‌ایم، این روش مبتنی بر ارزیابی‌های ذهنی محققان و متخصصانی است که بر روی کیفیت وسیله اندازه‌گیری صفات مورد بررسی اجماع نظر دارند و مشخص‌کننده این نکته است که تا چه حد وسیله اندازه‌گیری طراحی شده، آن چیزی را که محقق فکر می‌کند اندازه می‌گیرد (مومنی و قیومی، ۱۳۹۲: ۱۸۴). در این

1-Concurrent validity

2-Factor Analysis

3-support

4-Social pressure

5-Anxiety about childbearing

پژوهش برای سنجش پایایی گویه‌ها در ابتدا از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده شد و آلفای تمام گویه‌ها بعد از حذف چهار گویه ناپایا (۶۷/۹) برآورد گردید.

یافته‌ها

توزیع فراوانی و درصد اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان بیانگر این است که در ۳۷۴ نفر نمونه مورد مطالعه حاضر ۱۸۴ نفر ۴۹/۲ درصد مرد و ۱۹۰ نفر ۵۰/۸ درصد زن بودند، میانگین نگرش به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در بین مردان ۲/۵ سال می‌باشد که کمتر از میانگین زنان با ۳ سال است. میانگین سنی زوجین ۲۵/۴ سال است. ۱۶/۲ درصد در گروه سنی ۱۹-۱۰ سال، ۶۲/۸ درصد در گروه سنی ۲۹-۲۰ سال، ۱۵/۵ درصد در گروه سنی ۳۹-۳۰ سال و ۵/۱ درصد در گروه سنی بالای ۴۰ سال قرار داشتند. ۳۵۱ نفر در شهر و ۲۳ نفر در روستا زندگی می‌کردند. به لحاظ سطح تحصیلات، ۱۰/۲ درصد زوجین بی سواد بوده و یا تحصیلات ابتدائی داشته‌اند. ۵۶/۴ درصد تحصیلات دیپلم و پیش‌دانشگاهی و ۳۳/۴ درصد تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. میانگین نگرش به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در بین دارندگان افراد بیسواد و یا تحصیلات ابتدایی ۱/۶ سال، تحصیلات دیپلم و پیش‌دانشگاهی ۲ سال و تحصیلات لیسانس و بالاتر ۲/۲ سال می‌باشد. از لحاظ وضع فعالیت ۱۹۰ نفر ۵۰/۸ درصد شاغل و ۱۸۴ نفر ۴۹/۲ درصد غیر شاغل می‌باشند و میانگین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در غیر شاغلین از شاغلین بیشتر می‌باشد. ۸۱/۵ درصد از پاسخ‌گویان کمتر از ۲ ساعت از اینترنت استفاده کرده‌اند و میانگین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند آنها کمتر از پاسخ‌گویانی بود که بیشتر از سه ساعت از اینترنت استفاده داشته‌اند. ۵۱/۶ درصد از پاسخ‌گویان قائل به ترجیح جنسی فرزندان بودند و میانگین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند کمتر از پاسخ‌گویانی بود که قائل به ترجیح جنسیتی نیستند.

1-Cronbach's alpha coefficient

جدول شماره ۲: توزیع نگرش پاسخ‌گویان نسبت به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند میان

متغیرهای جمعیتی

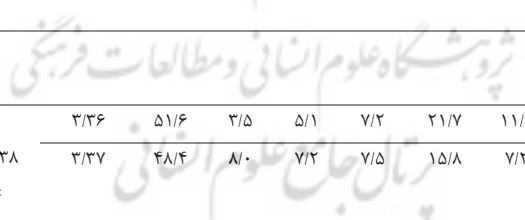
P-Value	آزمون آماری	میانگین	درصد	نگرش فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند					جنس	
				۵+	۴	۳	۲	۱		۰
۰/۰۱۶	T-Test=-۲/۴۳۱	۲/۵	۴۹/۲	۵/۱	۵/۹	۸/۶	۲۰/۶	۸/۸	۰/۳	مرد
۰/۰۲۵	X ² =۱۲/۸۴۶	۳	۵۰/۸	۱۱/۸	۶/۴	۶/۱	۱۶/۸	۹/۴	۰/۳	زن
										محل سکونت
۰/۶۱۱	T-Test=-۰/۵۰۹	۲/۷۱	۹۳/۹	۱۶/۶	۱۰/۷	۱۳/۶	۳۵/۸	۱۶/۶	۰/۵	شهر
۰/۱۵۶	X ² =۷/۹۹۶	۲/۵۶	۶/۱	۰/۳	۱/۶	۱/۱	۱/۶	۱/۶	۰/۰	روستا
										سن
۰/۰۰۰	F= ۷/۵۸۷	۲/۹۵	۱۶/۳	۴/۳	۱/۹	۲/۱	۵/۶	۲/۴	۰/۳	۱۰-۱۹
		۲/۸۶	۶۲/۸	۱۱/۵	۹/۱	۱۰/۷	۲۲/۷	۸/۸	۰/۰	۲۰-۲۹
۰/۰۰۰	X ² =۴۳/۰۸۳	۲/۰۶	۱۵/۵	۰/۵	۱/۳	۱/۶	۷/۲	۴/۸	۰/۰	۳۰-۳۹
		۱/۸۴	۵/۱	۰/۵	۰/۰	۰/۳	۱/۹	۲/۱	۰/۳	۴۰+

رابطه میان جنس و نگرش فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند بین دو جنس دیده می‌شود، میانگین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند، در بین زنان بیشتر از مردان است. با توجه به نتایج سطح معناداری آزمون فیشر و خی دو، بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و محل سکونت تفاوت معنادار وجود ندارد و این رابطه تایید نمی‌شود. بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و سن ازدواج پاسخ‌گویان تفاوت معناداری وجود دارد، بطوریکه با افزایش سن ازدواج، فاصله ازدواج تا تولد اول کاهش می‌یابد.

رتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۳: توزیع نگرش پاسخ‌گویان به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند بر حسب متغیرهای اقتصادی - اجتماعی

P-Value	آزمون آماری	میانگین	درصد	فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند						وضعیت تحصیلی
				۰	۱	۲	۳	۴	۵+	
۰/۰۰۰	F=۱۳/۵۵۲	۱/۷۱	۱۰/۲	۰/۰	۰/۳	۰/۵	۵/۶	۳/۵	۰/۳	بیسواد و ابتدایی
		۲/۷۲	۵۶/۴	۱۰/۲	۶/۷	۸/۳	۲۰/۱	۱۱/۰	۰/۳	دیپلم و پیش دانشگاهی
		۲/۹۸	۳۳/۴	۶/۷	۵/۳	۵/۹	۱۱/۸	۳/۷	۰/۰	دانشگاهی
۰/۰۰۰	T=-۴/۳۵۲ Test=	۲/۵۴	۵۰/۸	۶/۱	۵/۱	۹/۱	۲۰/۶	۹/۶	۰/۳	وضع شغلی شاغل
		۲/۸۷	۴۹/۲	۱۰/۷	۷/۲	۵/۶	۱۶/۸	۸/۶	۰/۳	غیر شاغل
۰/۰۰۵	F=۴/۳۹۴	۲/۶۰	۸۱/۵	۱۲/۶	۸/۴	۱۱/۸	۳۱/۷	۱۶/۳	۰/۶	ساعت استفاده از اینترنت کمتر از ۲ ساعت
		۳	۱۴/۰	۰/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۶	۰/۰	۰/۰	۳ ساعت
		۵	۳/۱	۰/۶	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۴ ساعت
		۳/۱	۱۷/۱	۳/۴	۴/۲	۲/۵	۵/۱	۲/۰	۰/۰	بیشتر از ۵ ساعت
۰/۰۰۲	T=-۱۰/۱۳۸ Test=	۳/۳۶	۵۱/۶	۳/۵	۵/۱	۷/۲	۲۱/۷	۱۱/۰	۰/۳	ترجیح جنسیتی بله
		۳/۳۷	۴۸/۴	۸/۰	۷/۲	۷/۵	۱۵/۸	۷/۲	۰/۳	خیر
۰/۰۱۱	F=۴/۶۰۰	۲/۴۱	۲۹/۹	۲/۹	۳/۲	۴/۳	۱۲/۸	۶/۱	۰/۵	پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین
		۲/۷۷	۵۵/۳	۱۱/۲	۵/۶	۸/۳	۲۰/۱	۱۰/۲	۰/۰	متوسط
		۳/۰۳	۱۴/۷	۲/۷	۳/۵	۲/۱	۴/۵	۱/۹	۰/۰	بالا



توزیع فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در بین گروه‌های مختلف تحصیلی در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند با افزایش سطح تحصیلات افزایش یافته و تفاوت معناداری در فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند گروه‌های مختلف تحصیلی وجود دارد و این رابطه تایید می‌شود. با کاهش سطح تحصیلی پاسخ‌گویان بر میانگین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند کاسته می‌شود. رابطه وضعیت شغلی و فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین افراد شاغل و غیر شاغل وجود دارد و این رابطه تایید می‌شود. فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در بین شاغلین کمتر از غیر شاغلین بوده است، اما تفاوت بین دو گروه شاغل و غیر شاغل اندک است. رابطه بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و مدت زمان استفاده از اینترنت نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری آزمون فیشر تفاوت معناداری وجود دارد و این رابطه تایید می‌شود، پاسخ‌گوییانی که میزان استفاده از اینترنت آنها کمتر از دو ساعت است، نگرش به فاصله ازدواج تا تولد فرزند آنها کمتر از پاسخ‌گوییانی است که بیشتر از دو ساعت از اینترنت استفاده می‌کردند. رابطه بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند با ترجیح جنسی نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری آزمون فیشر، تفاوت معناداری وجود دارد و این رابطه تایید می‌شود. پاسخ‌گوییانی که قائل به ترجیح جنسی بودند، فاصله ازدواج تا تولد فرزند آنها کمتر از پاسخ‌گوییانی بود که قائل به ترجیح جنسی نبودند. رابطه فاصله ازدواج تا تولد فرزند و پایگاه اقتصادی- اجتماعی در جدول شماره ۳، نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند پاسخ‌گویان در وضعیت‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی وجود دارد و این رابطه تایید می‌شود. پاسخ‌گوییانی که پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایینی دارند، نگرش آنها به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند آنها پایین‌تر از سایر پاسخ‌گوییانی است که دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری بودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۴. توزیع نظر پاسخ‌گویان نسبت به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند بر حسب متغیرهای ارزشی - نگرشی

P-Value	آزمون آماری	میانگین	درصد	فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند					فشار اجتماعی	
				۵+	۴	۳	۲	۱		۰
۰/۰۷۷	F=۲/۵۸۳	۲/۹۷	۲۶/۷	۶/۷	۳/۲	۲/۹	۱۰/۴	۳/۵	۰/۰	بالا
		۲/۶۰	۶۰/۲	۹/۴	۶/۴	۹/۱	۲۱/۹	۱۳/۱	۰/۳	متوسط
		۲/۶۳	۱۳/۱	۰/۸	۲/۷	۲/۷	۵/۱	۱/۶	۰/۳	پایین
۰/۰۰۰	F=۱۱/۹۱۰	۲/۵۷	۷۷/۰	۹/۶	۹/۴	۱۲/۶	۲۹/۹	۱۵/۰	۰/۵	بالا
		۲/۹۸	۲۰/۶	۵/۶	۲/۴	۱/۹	۷/۵	۳/۲	۰/۰	متوسط
		۴/۵۵	۲/۴	۱/۶	۰/۵	۰/۳	۰/۰	۰/۰	۰/۰	پایین
۰/۰۰۱	X ^۲ =۳۰/۷۷۷	۳/۱۹	۱۵/۲	۴/۸	۱/۹	۲/۱	۴/۳	۲/۱	۰/۰	بالا
		۲/۶۲	۶۳/۱	۹/۱	۷/۵	۹/۱	۲۵/۹	۱۱/۲	۰/۳	متوسط
		۲/۵۹	۲۱/۷	۲/۹	۲/۹	۳/۵	۷/۲	۴/۸	۰/۳	پایین

جدول شماره ۴، نشان می‌دهد که بین فاصله ازدواج تا تولد فرزند و فشار اجتماعی با توجه به سطح معناداری آزمون خی دو تفاوت معناداری وجود دارد و این رابطه تأیید می‌شود، بطوریکه پاسخ‌گویانی که فشار اجتماعی بالاتری را بیان کرده بودند، میانگین فاصله ازدواج تا تولد فرزند آنها بیشتر از پاسخ‌گویانی است که فشار اجتماعی پایین‌تری را بیان کرده بودند. با توجه به نتایج جدول ۴، بین شاخص حمایت اجتماعی و فاصله ازدواج تا تولد فرزند تفاوت معناداری وجود دارد. بین فاصله ازدواج تا تولد و حمایت اجتماعی رابطه معکوس است؛ بطوریکه پاسخ‌گویانی که از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند، فاصله ازدواج تا تولد فرزند آنها پایین‌تر بود و بالعکس. رابطه فاصله ازدواج تا تولد فرزند و نگرانی از فرزندآوری در جدول شماره ۴، نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری آزمون فیشر و خی دو، تفاوت معناداری وجود دارد و این رابطه تأیید می‌شود. بین نگرانی از فرزندآوری و فاصله ازدواج تا تولد فرزند رابطه مستقیم است

بطوریکه هرچه میزان نگرانی از فرزندآوری پاسخ‌گویان پایین‌تر باشد فاصله ازدواج تا تولد فرزند کمتر است.

جدول شماره ۵- آزمون تحلیل رگرسیون برای مقایسه پیش‌بینی متغیر فاصله ازدواج تا تولد

اولین فرزند

نام متغیر	B	Beta	T	Sig	R	R ²
حمایت اجتماعی	-۰/۷۴۷	-۰/۲۳۳	-۵/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۲۴۰	۰/۰۵۸
سن	-۰/۵۷۴	-۰/۲۵۲	-۵/۳۶	۰/۰۰۰	۰/۳۳۲	۰/۱۱۰
تحصیلات	۰/۱۷۵	۰/۱۵۲	۲/۸۱	۰/۰۰۵	۰/۴۰۳	۰/۱۶۲
فاصله سنی مطلوب بین فرزندان	۰/۱۱۴	۰/۱۶۰	۳/۴۰	۰/۰۰۱	۰/۴۲۹	۰/۱۸۴
فشار اجتماعی	-۰/۲۷۹	-۰/۱۱۷	-۲/۴۹	۰/۰۱۳	۰/۴۴۳	۰/۱۹۶
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۰/۳۳۰	۰/۱۳۲	۲/۴۶	۰/۰۱۴	۰/۴۵۸	۰/۲۰۹

برای بررسی مدل تجربی پژوهش، از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. از آنجایی که بهترین شیوه برای ورود متغیرها به معادله رگرسیونی (Stepwise Method) می‌باشد، در این مدل ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد، انتخاب می‌شود. نتایج حاصل از جدول ۵، نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرهای مستقل داخل معادله با متغیر وابسته ۴۵/۸ درصد می‌باشد. R^2 یا ضریب تعیین بدست آمده نشان می‌دهد که ۲۰/۹ درصد از واریانس متغیر نگرش فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند به وسیله متغیرهای مستقل موجود در معادله تبیین می‌شود و ۷۹/۱ درصد باقی مانده را متغیرهای دیگری تبیین می‌کنند که خارج از این بررسی قرار دارند. همانگونه که در ستون Beta مشخص است، مقدار این ضرایب برای متغیر حمایت اجتماعی $-۰/۲۳۳$ ، سن $-۰/۲۵۲$ ، تحصیلات $۰/۱۵۲$ ، فاصله سنی مطلوب بین فرزندان $۰/۱۶۰$ ، فشار اجتماعی $-۰/۱۱۷$ و برای متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی $۰/۱۳۲$ است. متغیرهای محل سکونت، جنس، وضع فعالیت، مدت زمان استفاده از اینترنت، ترجیح جنسی و نگرانی از فرزندآوری از معادله خارج شدند ($P > ۰/۰۵$). متغیر سن ازدواج پاسخ‌گویان بیشترین سهم را در پیش‌بینی فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند دارد، به عبارت دیگر، تاثیر متغیر سن ازدواج پاسخ‌گویان بیشتر از سایر متغیرهاست.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موثر بر نگرش به فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در زوجین در آستانه ازدواج شهر کرمانشاه است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، حاکی از آن است که میانگین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند برای مردان ۲/۵۹ و برای زنان ۳/۰ سال است. میانه فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند برای زنان ۲۴ ماه است که نشان می‌دهد، نیمی از زنان در نمونه حاضر، بعد از ۲۴ ماه از ازدواج، علاقمند هستند اولین فرزند خود را به دنیا آورند. نتایج این مطالعه نشان داد، تاخیر در انتقال به باروری از ویژگی‌های کوهورت‌های ازدواجی اخیر است. زنانی که در دو دهه اخیر ازدواج می‌کنند و در معرض فرزندآوری قرار می‌گیرند، نسبت به دوره‌های قدیمی‌تر تاخیر بیشتری را در تولد اول تجربه کرده‌اند. این یافته‌ها با نتایج سایر مطالعات از جمله مطالعه، (مک دونالد، حسینی چاوشی و همکاران ۲۰۱۵؛ باقری و سعادت، ۱۳۹۸) همسو است.

مردان شهری نسبت به مردان روستایی تمایل بیشتری داشتند که تولد اولین فرزندشان را به تاخیر بیندازند. این یافته همسو با نتایج پژوهش رحیمی فروشانی و همکاران، ۱۳۹۴ و ترابی و همکاران، ۱۳۹۶ است. یافته‌ها موید تأثیر معنی‌دار سن ازدواج پاسخ‌گویان روی فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند می‌باشد. با افزایش سن ازدواج، فاصله ازدواج تا تولد اول کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج مطالعات استایر^۱ و همکاران ۲۰۰۷؛ رازقی نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۸ همسو می‌باشد.

سطح تحصیلات پاسخ‌گویان در مطالعه ما با فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند رابطه‌ای مستقیم دارد. بطوریکه با افزایش سطح تحصیلات میانگین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند افزایش معناداری نشان داد. به طور مشابه در اغلب مطالعات در ایران میزان بالاتر تحصیلات پاسخ‌گویان با تمایل کمتر آنها به فرزندآوری و تاخیر در فرزندآوری همراه بوده است. این یافته را می‌توان با مطالعات بوبر و همکاران، ۲۰۱۳؛ طاوسی و همکاران، ۲۰۱۵ و شجاعی و همکاران، ۲۰۱۷ همسو دانست.

وضعیت اشتغال نیز تأثیر معنی‌داری روی فاصله ازدواج تا تولد اول دارد و زنان شاغل در فاصله طولانی‌تری نسبت به سایر زنان، علاقمند هستند فرزند اول خود را به دنیا بیاورند. در تبیین رابطه اشتغال با فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند، بسیاری از محققان به ناسازگاری کار و فرزندآوری اشاره می‌کنند (صادقی و شهابی، ۱۳۹۷؛ رازقی نصرآباد و حسینی، ۱۳۹۷). بر اساس

این مطالعات، شاغل بودن مادر با ترس از دست دادن فرصت مراقبت از کودک و یا نرسیدن به کارهای منزل و خانه‌داری و یا از دست دادن شغل و کاهش دستمزد همراه است.

یافته‌ها موید تفاوت معنادار بین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند و ترجیح جنسی است؛ بطوریکه پاسخ‌گویان بدون ترجیح جنسی نسبت به پاسخ‌گویان با ترجیح جنسی فاصله ازدواج تا فرزندآوری طولانی‌تری را مطلوب می‌دانند. در جامعه سنتی ایران، داشتن فرزند ذکور هم به منزله منزلت اجتماعی و هم قدرت بالاتر فردی در نظر گرفته می‌شود. تأکید والدین برای رسیدن به ترکیب جنسی خاص در فرزندان، باعث گرایش به باروری بیشتر و در نتیجه فاصله ازدواج تا تولد فرزند کوتاهتر می‌گردد. این یافته را می‌توان با مطالعات (عطایی سعیدی، ۱۳۸۷؛ آزموده و همکاران، ۱۳۹۳) همسو دانست و یافته آنان را تایید می‌کند.

وضعیت پایگاه اقتصادی - اجتماعی تاثیر معناداری بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند دارد. به عقیده رانگ^۱ (۱۹۸۵) افراد از پایگاه یا موقعیت اقتصادی و اجتماعی پایینتر، باروری بالاتری دارند و افراد متعلق به پایگاه بالا فرزندآوری کمتری را تجربه می‌کنند و فرزندان بیشتر را به عنوان بار اقتصادی تلقی می‌کنند. در نتیجه این طبقه بیشتر به کیفیت فرزندان توجه می‌کنند تا کمیت فرزند و فاصله ازدواج تا تولد فرزند آنها بیشتر است (قاسمی اردهای و همکاران، ۱۳۹۳). این یافته را می‌توان با مطالعات (برناردی و کلرتر، ۲۰۱۴؛ بالو و میلز، ۲۰۱۱) همسو دانست و یافته آنان را تایید می‌کند.

بین میزان حمایت اجتماعی و فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. حمایت اجتماعی از طرف اطرافیان به خصوص والدین زوجین، دیگر اعضای خانواده و دوستان می‌تواند به صورت ارائه حمایت عاطفی، توصیه برای افزایش فرزندان و توصیه‌های موردی در جهت مراقبت کودک باشد (کیم، کلرتر و برناردی، ۲۰۰۹). مطالعه‌ای در انگلستان نشان داد، زوجینی که در پیرامون خود تعداد زیادی از افراد حمایت‌کننده دارند، سن کمتری را برای تولد اولین فرزند خود تجربه کرده‌اند (ماتیوس و سیر، ۲۰۱۳). با این وجود، برخی مطالعات از جمله مطالعه سالز و همکاران (۲۰۱۰) در فرانسه حاکی از آن است که نقش حمایتی خانواده به ویژه حمایت والدین بر قصد فرزندآوری یا تحقق آن در زوجین تاثیر نداشته است.

فشار اجتماعی تاثیر معناداری بر فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند دارد و این رابطه تایید می‌شود. طبق نظریه بندورا (۱۹۸۳) عوامل محیطی نیز بر رفتار باروری موثرند، از بین عوامل مرتبط با فرزندآوری فشار اجتماعی ارتباط معناداری نشان داد. نتایج نشان می‌دهد که فشار

1-Rang

اجتماعی برای فرزنددار شدن با فاصله مطلوب و واقعی بودن ازدواج تا فرزندآوری ارتباط داشته، اما با فاصله مطلوب بین تولد فرزند اول و دوم ارتباطی ندارد. یافته‌های پژوهش با یافته‌های (بالو و میلز، ۲۰۱۱؛ خدیو زاده و همکاران، ۱۳۹۶) همسو است.

در تبیین رابطه نگرانی از فرزندآوری و فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند تفاوت معناداری وجود دارد و این رابطه تایید می‌شود. در مطالعه طاوسی و همکاران (۱۳۹۴) در بین کسانی که تمایل به فرزندآوری نداشتند، بیشترین دلایل ابراز شده از قرار زیر بود: نگرانی در مورد تأمین آینده فرزندان، نگرانی در مورد افزایش مشکلات اقتصادی و کافی دانستن فرزندان فعلی. همچنین حسینی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه خود دریافتند که مدیریت آینده فرزندان و رفاه و آسایش خود و فرزندان از جمله عواملی هستند که بر کاهش تمایل به فرزندآوری و فاصله ازدواج تا فرزندآوری موثر هستند.

یافته‌های برآمده از این مطالعه نشان داد، گروه‌های سنی جوانتر با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه و عدم اطمینان از شرایط موجود با تاخیر اقدام به فرزندآوری می‌نمایند؛ همچنین فاصله ازدواج تا تولد اولین فرزند در زنان شاغل حاکی از این نکته است که آنها دیرتر اقدام به فرزندآوری دوم می‌کنند و در نتیجه ممکن است باروری زیر سطح جانشینی را تجربه نمایند. در مجموع، این نتیجه حاصل می‌شود که زمانبندی مولید در دهه اخیر، وابستگی زیادی به سایر حوزه‌های زندگی از جمله وضعیت پایگاه اقتصادی-اجتماعی و جهت‌گیری‌های ارزشی-نگرشی پاسخ‌گویان دارد.

در این میان از عمده ضعف‌های مطالعه حاضر، سختی دسترسی به مراکز بهداشتی و دسترسی به داده‌های موجود و احتمال افزایش سوگیری و مخدوش شدن پاسخ‌ها در میان پاسخ‌گویان بود. ایجاد زمینه‌ای برای هماهنگی اشتغال و فرزندآوری و یا تحصیل و فرزندآوری و حمایت از زوجین جوان برای تشکیل خانواده و فرزندآوری در زمان مناسب یکی از اقدامات مهمی است که می‌تواند تأثیر عمده‌ای در جهت برنامه‌ریزی صحیح برای طرح‌های جمعیتی، آموزشی و اقتصادی و تسهیل ایده‌آل‌های باروری زوجین داشته باشد.

منابع

- آزموده، الهام؛ براتی فر، سعیده؛ بهنام، هانیه؛ آزاد مهر، مریم (۱۳۹۴)، ارتباط ترجیح جنسی، فاصله مولید و ترکیب فرزندان بر رفتار باروری زنان. مجله دانشکده علوم پزشکی تربت حیدریه، دوره ۳، شماره ۳، صص ۸-۱۵
- باقری، آرزو؛ سعادت، مهسا (۱۳۹۸)، عوامل مؤثر بر فواصل مولید اول و دوم زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر تهران. مجله اپیدمیولوژی ایران، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۶۸-۷۶
- ترابی، فاطمه؛ قربانی، فرزاد؛ کوچانی، مسعود (۱۳۹۶)، مقایسه نگرش زنان و مردان نسبت به زمان فرزندآوری. مجله دانشکده علوم پزشکی مازندران، دوره ۲۷، شماره ۱۵۴، صص ۱۸۳-۱۷۹
- چمنی، سولماز؛ شکرپیگی، عالییه؛ مشفق، محمود (۱۳۹۵)، مطالعه تعیین کننده جامعه‌شناختی فرزندآوری (موردکاوی: زنان متأهل شهر تهران). "فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی"، (۶)، ۱۳۷-۱۶۵.
- حسینی، حاتم؛ پاک سرشت، سلمان؛ رضایی، مهدی؛ مهرگان فر، مریم (۱۳۹۳)، تحلیل کیفی کنش فرزندآوری زوج‌های عرب شهر اهواز. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۱۶۹-۱۴۱
- خلیج آبادی، فراهانی؛ سرابی، حسین (۱۳۹۵)، واکاوی شرایط زمینه‌ساز قصد و رفتار تک-فرزندی در تهران. مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۸، شماره ۷۱، صص ۵۸-۲۹
- خدیوزاده، هادی زاده، طلعت؛ شاکری، محمد تقی (۱۳۹۶)، پیش‌بینی عوامل مرتبط با تاخیر در زمان اولین فرزندآوری در زنان جوان متأهل با استفاده از نظریه یادگیری اجتماعی بندورا. مجله حیات، دوره ۲۳، شماره ۳، صص ۲۴۲-۲۲۶
- رازقی نصر آباد، حجه بی بی؛ حسینی، زینب (۱۳۹۸)، مطالعه تجربه ایفای هم زمان نقش شغلی-خانوادگی در مادران شاغل دارای فرزند خردسال. جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۳۰، شماره ۳، صص ۱۳۴-۱۰۹
- رحیمی فروشنانی، عباس؛ کاظمی، مریم؛ قنبر نژاد، امین؛ اشراقیان، محمدرضا؛ مجلسی، فرشته (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر فاصله ازدواج تا تولد اول با استفاده از مدل رگرسیون کاکس. نشریه حیات، دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۲۵۵-۲۶۴
- سعادت، مهسا؛ باقری، آرزو؛ رازقی نصرآباد، حجه بی بی (۱۳۹۴)، زمان وقوع تولد اولین فرزند و تعیین‌کننده‌های آن در استان سمنان با استفاده از مدل پارامتری بقا. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۱۹، صص ۸۷-۶۳

- سعادت، مهسا؛ باقری، آرزو (۱۳۹۵)، بررسی فاصله مطلوب ازدواج تا فرزندآوری از نظر جوانان در آستانه ازدواج. نشریه پایش، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۲۳۹-۲۵۰
- شجاعی، جواد؛ یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۶)، ورود سیستماتیک مطالعات کاهش باروری در دو دهه اخیر. مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۱۵۹-۱۳۷
- صادقی، رسول؛ شهبابی، زهرا (۱۳۹۸)، تعارض کار و مادری: تجربه گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران. جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۳۰، شماره ۱، صص ۹۱-۱۰۴
- صبغوری طغرالجردی، بتول؛ حسنی درمیان، غلامرضا؛ مجدلی، علی اکبر؛ کرمانی، مهدی (۱۳۹۸). واکوی و تحلیل تعیین‌کننده‌های باروری: فراتحلیلی از تحقیقات موجود علوم اجتماعی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، ۱۶(۲)، ۱۴۵-۱۱۳.
- طاووسی، محمود؛ مطلق، اسماعیل؛ اسلامی، محمد؛ حائری مهریزی، محمد؛ هاشمی، علی اصغر؛ علی، منتظری، (۱۳۹۴)، فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم تهران: پیش‌آزمون یک مطالعه ملی. نشریه پایش، دوره ۱۴، شماره ۵، صص ۷۰۲-۶۹۷
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ رازقی نصرآباد، حجه بی بی؛ حسینی چاوشی، میمنت (۱۳۹۹)، «امنیت اقتصادی - اجتماعی و قصد باروری در شهر تهران». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۲۹، صص ۲۳۸-۲۱۱
- عرفانی، امیر؛ جهانبخش، رویا؛ کلاتتری، عبدالحسین (۱۳۹۹)، فردگرایی و نیت باروری. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۲۹، صص ۲۳۹-۲۶۴
- عطایی سعیدی، حامد (۱۳۸۷)، بررسی برخی عوامل موثر بر گرایش به برنامه ریزی تنظیم خانواده در بین متاهلین شهر سردشت. مجله جمعیت، شماره ۶۵، صص ۷۹
- قاسمی اردهائی، علی؛ راد، فیروز؛ ثوابی، حمیده (۱۳۹۳)، بررسی تغییرات باروری زنان بر حسب موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی زوجین. مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۶، شماره ۶۳، صص ۱۶۲-۱۲۵
- مرکز آمار ایران. نرخ باروری کل بر اساس کل جمعیت و جمعیت ایران. <http://www.amar.org.ir> ۲۰۱۱-۲۰۱۶
- مومنی، منصور و قیومی، علی (۱۳۹۲)، تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. تهران: گنج‌شایگان، چاپ ششم.
- Ajzen, I. (2005). Attitudes, Personality, and Behavior (2nd ed.). Maidenhead, Berkshire, England: Open University Press.

- Balbo, N; Mills, M .(2011).The influence of the family network on the realisation of fertility intentions. *Vienna Yearbook of population research* ,9: 179-205.
- Bandura, A; Cervone, D .(1983). Self-evaluative and self-efficacy mechanisms governing the motivational effects of goal systems. *Journal of Personality and Social Psychology*, 1017-1028; 5(45).
- Barclay, KJ; Kolk, M .(2017). The long-term cognitive and socioeconomic consequences of birth intervals: A within-family sibling comparison using Swedish register data. *Demography*, 54(2);84-459.
- Bernardi, L; Klärner, A .(2014).Social networks and fertility. *Demographic Research*,20(12): 604-648.
- Buber-Ennsner, I; Panova, R; Dorbritz, J.(2013).Fertility Intentions Of University Graduates. *Demográfia* 5:5-34.
- Dommermuth, L; Klobas, J; Lappegård, T.(2014). Differences in childbearing by time frame of fertility intention A study using survey and register data from Norway.[available from papers/_attachment/182990,accessed2018/02/16].
<https://www.ssb.no/en/forskning/discussion>.
- Hara, Toshihiko .(2008) .Increasing Childlessness in Germany and Japan: Toward a Childless Society, *International Journal of Japanese Sociology*, No. 17, p 42-62.
- Harknett, K; Billari, FC; Medalia, C .(2014). Do family support environments influence fertility? Evidence from 20 European countries. *European Journal of Population*; 1:1-33.
- Hosseini-Chavoshi, M; Abbasi-Shavazi, MJ; McDonald, P .(2016). Fertility, marriage, and family planning in Iran: Implications for Future Policy. *Popul Horiz* ,13(1):31-40. (In Persian)
- Keim, S; Klärner, A; Bernardi, L .(2009).Qualifying social influence on fertility intentions: composition, structure and meaning of fertility Western Germany. *Current Sociology* ; 6:73-110.
- Mathews, P; Sear, R .(2013). Does the kin orientation of a British woman's social network influence her entry into motherhood? *Demographic Research*; 313-340.

- McDonald, P; Hosseini-Chavoshi, M; Abbasi-Shavazi, MJ .(2015). Assessment of Iranian fertility trends using parity progression ratios. *Demographic Research* 32(58):1581–1602.
- McDonald, P .(2006). Low fertility and the state: The efficacy of policy, *Population and Development Review*, 32, 485–510.
- Razeghi, Nasrabad HB; Abbasi Shavazi, MJ; Hosseini Chavoshi, M .(2013). Level, Trend and Pattern of childlessness in Iran. 17th IUSSP International Population Conference 26-31, Busan, Republic of Korea, 26-31.
- Rossier, C; Bernardi, L .(2009). Social interaction effects on fertility: Intentions and behaviors. *European Journal of Population/Revue européenne de Démographie* 4:467-485.
- Stier, H.(2007). Timing of Childbirth and Employment Consequences: The Israeli Case. Prepared for presentation at the Brno Meeting of ISA-RC28 on Social Stratification 24-27.

